

نقش اعتماد در مذاکرات ۱+۵

(قسمت اول)

امیرفیض- حقوقدان

موضوع تحریر حاضر در این سمت است که:

اول - آیا توافق بین غرب و جمهوری اسلامی نسبت به مسئله انرژی اتمی از مواردی است که نیازی به اعتماد متقابل دارد؟

دوم - آیا مسیرتوافق غرب و جمهوری اسلامی مسیر تسلیم جمهوری اسلامی است؟

در این روزها که مسئله اختلافات کشورهای غربی در اخصاص ۱+۵ با جمهوری اسلامی به کنفرانس ژنو کشیده شده است سخن از بی اعتمادی هردو طرف، طرفه مشهودی است که در این حد، کاملاً بیسابقه بوده است.

پس از سیاست آمریکا زدائی ۳۵ ساله ایران و متقابلاً اقدامات و ضربات سنگین آمریکا به جمهوری اسلامی، اظهارات روحانی در جمله زیر:

«آمریکائی ها در قلب مردم ایران جای دارند و برای ایرانیان بسیار عزیزند»

جمله مدانه آمیزی که کاربردش در کار سیاسی فاقد دستاورد مثبت و کرنشی نامعمول و بی مناسبت است که با تحویل آمریکا هم مواجه نشد و اساساً ماهیت جمله روحانی وزنی تعارف آمیز دارد نه ماهیت سیاسی . مردم ایران که سی و پنج سال است به انواع تحمیلات و تهدیدات آمریکا گرفتارند و واکنش آن مردم به شعار مرگ بر آمریکا در دنیا ظنین انداز است چطور قلب مردم ایران پذیرای آمریکائی هاست؟

کرنشی در این حد، وقتی بابتی اعتنائی طرف روبرو شود که شد، خیلی بارخفت پیدا میکند. و همانطور که میدانید جمله مزبور از سوی خامنه ای «جمله نالازم» شناخته شد و او با گفتن عبارت زیر از گفته روحانی رفع اثر کرد:

«ما به آمریکائی ها بدبین هستیم به آنها اعتماد نداریم دولت آمریکا متکبر، غیر منطقی و غیر قابل اعتماد است که بطور کامل تحت تاثیر صیهونیسیم است»

مفهوم اظهارات خامنه ای این است که آنچه روحانی گفته است مهم است زیرا آمریکائی ها و هرملتی که مردمی غیر قابل اعتماد، متکبر، غیر منطقی و تحت تاثیر صیهونیسیم باشند نمیتوانند در قلب مردم ایران

جای داشته باشند - چیزی در قلب جای میگیرد که مانند قلب باشد (گرکه دل صد ره رود راهش همان راه دل است = هرچه از جان برآید لاجرم بر دل نشیند).

بعد از اظهارات مدهانه و چاپلوسانه روحانی آقای باراک اوباما در سخنرانی در سازمان ملل ۲۵ سپتامبر گفت: «میان آمریکا و ایران بی اعتمادی عمیقی ریشه دوانده است ولی با این همه رسیدن به نتایجی مشترک درباره مسئله هسته ای ایران میتواند گام بزرگی در راهی طولانی و متفاوت از دشمنی ها قلمداد شود»

بارک اوباما بعنوان یک هدیه ویا درباغ سبز اطمینان داد که (آمریکا در پی تغییر رژیم ایران نیست)

حاشیه = آمریکا و تغییر رژیم ایران

آیا اعلام آقای اوباما به اینکه «آمریکا در پی تغییر رژیم ایران نیست» موضوع شکایت ایران بوده است؟ البته که خیر.

آیا در رابطه با اختلافات هسته ای بین اروپا و آمریکا از یکطرف و جمهوری اسلامی از سوی دیگر حتی یکبار تغییر رژیم ایران مطرح بوده است که آقای اوباما این اطمینان خاطر را به جمهوری اسلامی آنهم در سازمان ملل متحد داده است؟

آیا حق تغییر رژیم ایران از حقوق آمریکاست که آمریکا آنرا در سازمان ملل متحد از خودش ساقط کرده است؟

آیا این اعتراف آقای اوباما منتج به این برداشت نمیشود که آمریکا حق براندازی رژیمها را از آن خود میداند و اعتنایی به منشور سازمان ملل ندارد؟

همه این منعیات را آقای اوباما میداند و همه هم میدانند ولی اهمیت آن برای جمهوری اسلامی در حدی است که جمهوری اسلامی را به بزرگترین آرمان و هدف خود نزدیک میسازد. هدفی که سالهاست تضمین بقای جمهوری اسلامی است. (پایان حاشیه)

ادامه بحث

بحث بر سر نقش اعتماد طرفین در کنفرانس ژنو بود .

دامنه عدم اعتماد جمهوری اسلامی تنها به کل جمهوری اسلامی محدود نمیشود.

۱- محمد جواد ظریف گفته است «رابطه با ایالات متحده میتواند مفید باشد، اما هرگز نمیتواند دوستانه باشد» و آقای عباس عراقچی که نماینده جمهوری اسلامی در مذاکرات ژنو است گفته «ما هرگز صد درصد به آمریکا اعتماد نمیکنیم و در آینده نیز در همین مسیر خواهیم ماند».

از اظهارات آقایان چنین برمیآید که جمهوری اسلامی اعتماد ویا دوستی را لازمه ایجاد رابطه با آمریکا نمیدانند.

البته لازمه ارتباط کاری موقت نیازی به وجود اعتماد و یادوستی ندارد مانند رابطه کاری بین عمله و صاحب کار که نیازی به دوستی و اعتبار ندارد و یا مردی که بازنی هرجانی شب رامیگذراند نیازی به رابطه دوستی و اعتماد به زن نیست ولی همان مرد اگرخواست که رابطه اش دوام پیدا کند ادامه رابطه گشاینده فصل دوستی و اعتماد و علاقه و حمایت و امثال آنها خواهد شد.

ولی آنچه مسلم است یک شخصیت سیاسی که نماینده یک طرف مخاصمه ای کهنه است آنقدر بی مبالات و عوامانه نباید رفتار میکرد. برابری اظهارات آقای ظریف با روحانی و خامنه ای نشانی از هر دمبیلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

۲- سردار جزایری فرمانده ارشد سپاه گفته است «در چهارم نوامبر پیش رو، سالگرد تصرف سفارت آمریکا در سال ۱۹۷۹ باطنین شعار مرگ بر آمریکا در سراسر شهرها و روستاهای ایران اسلامی برگزار خواهد شد (با کرنش روحانی برابری فرمائید).

همو گفته است «جنایات آمریکا و صیہونیسیم بین المللی در مقابل باملت بزرگ ایران هرگز از ذهن و خاطرات پاک نمیشود. (باز با کرنش روحانی بازبینی فرمائید).

ظرفیت اعتماد و اعتماد متقابل

این تحریر وقتی میتواند تاحدودی جامع باشد که ظرفیت اعتماد شناخته شود.

اعتماد به معنای محکم بودن کسی از طرف کس دیگری است که وقتی این رابطه برقرار شد بقیه امور به اعتبار همین رابطه، به سادگی به جلومیرود مانند رای اعتماد به هیئت دولت. یا اعتماد شخص به نماینده خود.

اعتبار متقابل - همانطور که از نامش پیداست دونفری که در مقابل منافع متفاوت قرار دارند به یکدیگر اعتماد میکنند. این نوع اعتماد معمولی ترین و رایج ترین اعتمادهاست، در زمان های گذشته تنها به قول و قرار اکتفا میشد و حالیه برای رفع هرگونه اختلاف احتمالی بصورت نوشته ای به امضای طرفین میرسد.

این نوع قرارها یعنی قرارهای واجد همکاری با منافع مختلف برای هر یک از طرفین، اگر اعتماد بین طرفین و یایکی از طرفین وجود نداشته باشد یعنی اعتبار متقابل نباشد، انجام قرارداد و کار منتفی است بهمین دلیل، کسی که میخواهد معامله و قراردادی با ثالثی بگذارد از مراجع مخصوص تحصیل اطلاعات درباره اعتبار آن شخص بعمل میآورد (با حرفهای ظریف و عراقچی سنجیده شود).

ظرفیت اعتماد، گاهی عام است و گاهی خاص، ظرفیت خاص، ناشی از مورد و یا موردی است که شخص، خود مسلط بر قضیه ای بوده، که حاصل آن بی اعتبار شدن شخص ثالث است. مانند خیانت در امانت و یا بدقولی و امثال آنها که شخص خود ناظر بوده است.

ولی گاه عامل بی اعتباری خود شخص است؛ توضیح اینکه انسان گاه حرکت و یا حرفها و اتهاماتی به طرف خود میزند که میداند نباید و نمیتواند از طرفش انتظار اعتماد و قبول محبت را داشته باشد، مانند کسی

که به ناموس دیگری تجاوز میکند و یا مالش رامیبرد و یا اتهامات سنگین به او میزند معلوم است که خودش میداند که دیوار بی اعتمادی که ساخته بلند و محکم است و نمیتواند در روابط با طرفش آنرا نادیده بگیرد.

جمهوری اسلامی نسبت به آمریکا چنین موقعیتی که عرض شد را دارد.

موقعیت اعتمادی جمهوری اسلامی نسبت به آمریکا

پنهان کردنی نیست که آمریکا نسبت به ایران و حتی سایر کشورها به اقداماتی مبادرت کرده که سبب بی اعتمادی جهانی به آمریکا شده است، ولی کیفیت آن اعمال، کلا در کادر حقوق سیاسی بین المللی قابل رسیدگی است و با اعمالی که جمهوری اسلامی مرتکب آن شده است تفاوت فاحشی دارد.

بی اعتمادی های ناشی از روابط سیاسی بین کشورها همواره وجود داشته و دارد و همواره هم براحتی با مذاکرات و اقدامات سیاسی رفع شده است و معمولا این نوع بی اعتمادی ها ریشه انتقامی پیدا نمیکند و برعکس، اعمال جمهوری اسلامی که اشارات کلی به آن خواهد شد ریشه انتقامی بوجود میآورد که آورده و این ریشه است که اگر تنه درخت بی اعتمادی هم زده شود ریشه آن مجددا جوانه کرده و درخت میشود زیرا نیروی شرافت ملی آنرا آبیاری میکند.

نمونه هایی از عوامل بی اعتمادی جمهوری اسلامی

گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا - کشتار در خوابگاه آمریکایی ها در لبنان - انفجار الخبر - انفجار در نایروبی - سفارت اسرائیل و تعرض به پرچم آن کشور و نظایر آشکار و پنهان آن در کنار اظهارات شخصیت های جمهوری اسلامی که بخشی از آنها ذکر میشود نمونه های متکی به این تحریر میباشد.

برخی از اظهارات سردمداران جمهوری اسلامی

>گروگان گیری از ابزار انقلابی ماست. آمریکا این نوع اقدامات را تهدید جدی برای منافع خود میداند تکرار چنین حوادثی در آینده نه تنها غیرمحمتمل بلکه قطعی است؛ آنچه در ۱۳ آبان سال ۵۸ در تهران رویداد و در دهه هشتاد در لبنان تکرار شد چند سال بعد در نقاط دیگر جهان تکرار خواهد شد.

(روزنامه سلام سال ۶۸ خونینها و عباس عبدی)

نیویورک تایمز مطلبی درباره گروگان گیری نوشته که اهمیت عمل جمهوری اسلامی را خیلی خوب تشریح کرده است.

>اگر دولت ایران دیپلماتهای آمریکایی را گروگان نمیگرفت چیزی بنام گروگان گیری اصلا بوجود میآمد؟

شیخ اکبر رفسنجانی

همین شیخ اکبر رفسنجانی که این روزها چهره ای آمریکائی پسند گرفته سعی دارد که شعارمرگ بر آمریکا را از کارنامه سیاسی جمهوری اسلامی بزدايد در سال ۶۸ اعلام کرد.

> غربی ها رابکشید به انتقام هر فلسطینی ۵ آمریکائی وانگلیسی وفرانسوی رابکشید حالا که دستتان به اسرائیلی ها نمیرسد که آنها رابکشید به قتل اتباع عادی آمریکا وانگلیس وفرانسه دست بزنید زیرا پیدا کردن و کشتن این افراد آسان است؛ اگر غیرت عربی ندارید، اگر غیرت اسلامی ندارید، غیرت انسانی که دارید < (مشروح در کیهان ۲۱ اردیبهشت ۶۸)

در ماجرای ماست مالی رفسنجانی این پرسش بجاست که اگر خمینی ختم شعارمرگ بر آمریکا راداده بود چطور رفسنجانی کشتار آمریکائی هارا از مردم خواستارشده.

رفسنجانی:

منفجر کردن کاخ الیزه بوسیله انتحاری برای ما مشکل نیست. (کیهان شماره ۸۸)

ناطق نوری:

ناطق نوری که امروز کارلیسیدن فلان آمریکانیها راتمرین میکند گفت:

>ملت ماسرستیز با آمریکای جهانخوار راداشته و خواهد داشت < (سوم تیرماه کیهان هوانی ۱۹۸۶)

محسن رضائی:

محسن رضائی در رابطه با فرار فرزندش به خارج از کشور در برابر اعضای تشخیصی مصلحت گفت:

>این عمل یک توطئه از پیش تدارک شده آمریکا بود و این عمل آمریکا بدون پاداش نخواهد ماند و بزودی حق آمریکا راکف دستش خواهیم گذارد <

چندی بعد انفجار دو بمب دوسفارت آمریکا رادر کشورهای آفریقائی به هوافرستاد - یادمان باشد که بنا بر نوشته روزنامه مصری <رفسنجانی پس از سفر به سودان ۱۸۰۰۰ پاسدار به سودان اعزام داشت و این خبر را منابع ناروبی یعنی پایتخت همان کشوری که سفارت آمریکا در آنجا منفجر شد در اختیار مطبوعات مصری گذاشتند. باز یادمان نرود که محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران بوده است.

(مشروح ومفصل در سنگر ۲۶۹+۳۳۲)

محتشمی:

از سازمان های تروریستی جهان میخواهم که اتباع آمریکا واسرائیل راهر کجای دنیا یافتند بکشند.

(کیهان لندن شماره ۸۸)**موسوی اردبیلی:**

موسوی اردبیلی در خطبه نماز جمعه تهران گفت:

> این غیرت و همت اسلامی چه شده است؟ مسلمان اگر احساس مسئولیت و تعهد نکند که مسلمان نیست. مسلمانان باید هسته های مقاومت تشکیل بدهند و احساس آرامش را بکلی از آمریکاییها سلب کنند و اگر در این راه کشته شوند در راه خدا شهید شده اند و در پایان گفت جوانان با غیرت و باشهامت اسلامی کشورهای منطقه باید جان و مال و منافع آمریکاییها را مورد هجوم قرار بدهند و از آنها سلب امنیت کنند و بطور قطع و بنابر وعده خدا در این مبارزه پیروز خواهند شد.

(کیهان هوایی جمهوری اسلامی ۷۰۰)**سید علی خامنه ای:**

سید علی خامنه ای در آستانه کنفرانس حمایت از انقلاب اسلامی که در تهران تشکیل شده بود رسماً اعلام جهاد علیه آمریکا و اسرائیل کرد و صراحتاً گفت:

> ما آماده ایم پول و اسلحه برای کشتار شیوخ خلیج فارس و لطمه زدن به منافع آمریکا در اختیار تروریستها قرار بدهیم <

(مشروح در عصر امروز شماره ۵۲۰)

خود پرسی کنیم

آیا مشابه اظهارات سردمداران جمهوری اسلامی را از هیچ تروریستی شنیده اید حتی بن لادن و مظاهری به این محکمی و شمول عامل چنین دستوراتی داده اند؟

پشتوانه اظهارات شخصیت های جمهوری اسلامی

بهیچوجه قابل تصور نیست که اظهارات خصمانه افراد حکومتی جمهوری اسلامی ناشی از احساسات شخصی و یادینی آنهاست بطور حتم قانون اساسی جمهوری اسلامی خاصه اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ پشتیبان خواستها و اجرای آنهاست پس نمیتوان گفت که چند تروریست و نا آگاه به مسائل جهانی یک سازمان ترور و جنایت تشکیل داده و نام آنرا جمهوری اسلامی گذاشته اند.

بهمین دلیل است که روزنامه هرالد تریبیون در سال ۱۳۷۷ نوشت:

> وزیر خارجه آمریکا (کریستو فر) اعلام کرد که در جهان هیچ رژیمى مانند جمهوری اسلامی اساس سیاست داخلی و خارجی اش ترور و وحشت نیست <

(سنگر ۲۶۹+۳۳۲)

وزارت خارج آمریکا در گزارش سالیانه به کنگره گفت: <از نظر دولت آمریکا جمهوری اسلامی فعال ترین حکومت در حمایت از تروریسم بین المللی در سطح جهان است.>
(کیهان لندن)

دلیل مهم ارتباط ترور به جمهوری اسلامی

پس از جریان گروگان گیری جو افکار عمومی و خاصه جراید آن کشور در مسیر حفظ شرافت ملی و التیام ملت و کشور آمریکا به حرکت درآمد.

جانسون روزنامه نگار معروف آمریکایی درواشنگتن پست نوشت: <آمریکایی ها تا هر زمان که شده باید با توسل به همه امکانات، گروگان گیران را مجازات کند>

ویلیام باکلی نظریه پرداز محافظه کاران گفت " <.....ماتکلیف مهمی داریم که باید انجام دهیم و آن این است که اسامی افرادی را که مسئول گروگان گیری معرفی شده اند اعلام نمائیم و تاروژی که آنها را زنده و یا کشته تحویل نگریم آرام ننشینیم>

ولی با وجود چنین جوی، آمریکا کوچکترین اقدامی علیه گروگان گیران نکرد در حالیکه گروگان گیران کاملاً در انتظار اقدام تلافی جویانه آمریکا بودند.

علت را نمیتوان در قرارداد الجزایر یافت به این دلیل که در آن قرارداد شرط عدم دخالت آمریکا در امور ایران هم شده ولی آمریکا اعتنایی ندارد - شرط تجاوز به حقوق مالی جمهوری اسلامی در آمریکا شده ولی آمریکا اعتنایی ندارد و مرتباً با طرح دعاوی با واسطه و جوه جمهوری اسلامی راضبضت میکند.

علت این است که آمریکا گروگان گیران را مامور دولت جمهوری اسلامی میدانند که دولت جمهوری اسلامی هم عمل گروگان گیران را به اعتبار قانون اساسی مجاز می شمارد لذا طرفی که باید مورد مجازات قرار گیرد جمهوری اسلامی است نه افرادی مانند عبدی و غیره و به همین دلیل است که تحریم ها که از اسباب این مجازات هاست به بهانه های مختلف از جمله انرژی اتمی جریان یافته است.

اتفاقاً عجیب است که در سال ۷۷ یکی از گروگان گیران سفارت نوشت: <ممکن است آمریکاییها به بهانه انرژی اتمی به سراغ ما بیایند> که می بینیم آمده اند.

(از سنگر ۱۵ شهریور ماه ۷۷)

مشکل بزرگ آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی

به همین دلیل و مراتب مشهود حقوقی است که آمریکا با مانع بزرگی در ایجاد رابطه با جمهوری اسلامی مواجه است و آن همان موقعیت تروریستی جمهوری اسلامی است. کشور آمریکا که ادعای رهبری مبارزه با تروریست را دارد نمیتواند با جمهوری اسلامی تروریست و کانون شرارت (رایس) روابط داشته باشد، مگر اینکه آمریکا اعلام گذشت نسبت به گذشته کند و جمهوری اسلامی هم با استقبال از گذشت آمریکا تعهد لازم را نسبت به آینده بدهد، بنظر نمیرسد که هم آمریکا و هم جمهوری اسلامی تحمل چنین گذشتی

را داشته باشند در غیر این صورت زیربنای هر نوع قراردادی متزلزل و پادرها خواهد بود، تنها در قرارداد های صلح و تسلیم است که نیازی به ایجاد زمینه سازی های حسن نیتی و اعتباری لازم نیست.

آیا مسیر توافق آمریکا و جمهوری اسلامی مسیر تسلیم است؟

بماند به فرصت آتی